



مقاله وارده زیرین بهتر از موضوع دیگری امروز ترجمان  
انتکار ماست

### یک نمونه از اکثریت

در هوای بارانی دروز من با رفیق پر شک خود از تهریش شهر می آمدم. وقتی وارد اتوبوس شدیم جز صندلی آخر جای خالی دیگری نمانده بود. مرد زولیده که لحاف کرباسی پاره در پهل داشت در وسط صندلی نشسته بود ماه در دست چپ او نشسته. در نظر اولی که من باین شخص انداختم او را منسۀ فلاکت و بد بختی پانتم. سکله نندی چرخ گرفته و نقرت انگیزی بر سر داشت. با آنکه بنظر دهانی جوانی میرسید ولی مرض رنگش را کهربایی و سیاهی او را حکمتی محزون ساخته بود جنبهای بی حالتش با نگاه بد بخت و ناخوشی دود میزد. بدن خود را با چند تیکه گونی و کرباس پاره پوشانده بود و لصف شندره خود را با علاقتندی تمام حفظ میکرد. ما فقط زمانی متوجه او شدیم که شاگرد شوهر با اوقات تلخی صدای بلند گفت: «از صبح تا حال چند دهنه بخشیم. چرا بخشیم» مرد زولیده با لبه دهانی و خجلت زده می گفت واه مین می هاشم را داشتیم بیشتر ندارم میخوام قهوه خانه باغ صبا بیاید شوم. بقیه را بمن بخش رفیق دکتر من پول او را داد و شاگرد شوهر را راضی کرده مرد که این مهربانی را دید دلبر شد گویا شنیده بود که من بر رفیق خود کتر خطاب می کنم سلامتی کرده و بناو گفت: - آقای دکتر دست من بدامنت یک علاجی بدمم بکن. دکتر با محبت پرسید: چه مرضی داری؟ - تنگ غروب ارز میکنم آنوقت تب میآید تا سینه سیخ را راحتم همین که صبح سینه زحالم کسی بهتر می شود - دکتر گفت: - مالاریا داری، تب و لرزه داری، حالا که من نمی توانم نسخه بدهم باید بیای میرضانم تا برایت نسخه بنویسم آنوقت باو آدرس میرضانهای را داد که در آنجا کار می کرد و سپین پرسید: باست چیست کجائی هستی؟ - اسم مصطلی، اهل دهات هراتم - بکار میکنی؟ - آنوقت که از هرات آمدم حالم خوب بود هلکی میکردم، یک ماه بود شیرانات هلکی، حالی میکردم روز یکی دو تومان در می آوردم ولی مرض جان به تنم نگذاشته. حالا میروم قهوه خانه باغ صبا وسط راه، آنجا چند تا همشهری دارم شاید دلفان بحال من بسوزد یک آب گرم به حلتم بکنند. - آب گرم که حالت را خوب نمی کند باید دوا بخوری. - حله ساکت مانده. دکتر گفت: م. م.

این یک نمونه از اکثریت مردم این سر زمین است که در احوال و شهرها و شمال و جنوب مشرق و مغرب مملکت را پر کرده اند.

### آنها را یکمده از خود راضی و وطن فروش برای این غلام و برده نگاه داشته اند که خودشان نکام دل زدن می کنند. فخری که بالاتر از آن غیر ممکن است تمام زنی و احساسات و افکار و هر گوله جنبشی را در اینها خفه و متوقف کرده و از ایشان بی حالترین و بدبختترین موجودات را ساخته است.

هر روز می آوری تازه ای برای کوسند نگاه داشتن این مردم اجیر می شود. این مزدوران با قلب دردمه چیز کوشش دارند که ایرانی را برده نگاه دارند این مزدوران در دستکراسی، در انتباهات، در احساسات ملی، در جنبش اجتماعی، در اصلاح طلبی در همه چیز او قلب می کنند و هر گونه جنبشی را مرتکب می شوند تا آنکه پول پستت بیارند. اینها قدری هستند که برای پول حاضرند بشر را که، آرای استبداد هر گونه مقامی و قابلیت هر گونه سعادت است به بهایم و حشرات شبیه سازند. اینها از حزب توده منتظرند زیرا این حزب حق می گوید و در راه حق شجاعت مبارزه می کند ولی تفرق آنها و دشواری کارها هیچکدام مانع از دوام مبارزه ما نخواهد بود.

مرد زولیده با لبه دهانی و خجلت زده می گفت واه مین می هاشم را داشتیم بیشتر ندارم میخوام قهوه خانه باغ صبا بیاید شوم. بقیه را بمن بخش رفیق دکتر من پول او را داد و شاگرد شوهر را راضی کرده مرد که این مهربانی را دید دلبر شد گویا شنیده بود که من بر رفیق خود کتر خطاب می کنم سلامتی کرده و بناو گفت: - آقای دکتر دست من بدامنت یک علاجی بدمم بکن. دکتر با محبت پرسید: چه مرضی داری؟ - تنگ غروب ارز میکنم آنوقت تب میآید تا سینه سیخ را راحتم همین که صبح سینه زحالم کسی بهتر می شود - دکتر گفت: - مالاریا داری، تب و لرزه داری، حالا که من نمی توانم نسخه بدهم باید بیای میرضانم تا برایت نسخه بنویسم آنوقت باو آدرس میرضانهای را داد که در آنجا کار می کرد و سپین پرسید: باست چیست کجائی هستی؟ - اسم مصطلی، اهل دهات هراتم - بکار میکنی؟ - آنوقت که از هرات آمدم حالم خوب بود هلکی میکردم، یک ماه بود شیرانات هلکی، حالی میکردم روز یکی دو تومان در می آوردم ولی مرض جان به تنم نگذاشته. حالا میروم قهوه خانه باغ صبا وسط راه، آنجا چند تا همشهری دارم شاید دلفان بحال من بسوزد یک آب گرم به حلتم بکنند. - آب گرم که حالت را خوب نمی کند باید دوا بخوری. - حله ساکت مانده. دکتر گفت: م. م.

این یک نمونه از اکثریت مردم این سر زمین است که در احوال و شهرها و شمال و جنوب مشرق و مغرب مملکت را پر کرده اند.

### اوقات پذیرائی

دکتر فریدون کشاورز متخصص امراض اعصاب  
هر روز فقط از ۶ تا ۳ بعد از ظهر است  
تهران خیابان استخر تلفن ۹۵۵۵

### حزب توده ایران چه میگوید و چه میخواهد

احمد ناسی

حمایت ملادران و نودگان پینوا  
«آب تاسیس و افزایش موسسات حمایت ملادران و کودگان بی بضاعت»  
مستافه آماری در ایران نیست تا ملادرانی را که در موقع زایش میبیرند. نوزادانی را که چند روز یا چند هفته پس از تولد فایده میشوند، کودگانی را که هنوز زنده گانی را از سر نگرته رنگ مرده دارند و پس از چند سال گرسنگی و برهنگی چشم از دنیا میبوشند؛ فشارش کند امروز اکثریت بانوان ایرانی آهنگر استطاعت ندارند که در دوره زایش باسایش پرداخته خود را در پناه پرستار بگذارند و نوزاد خویش را از آفت ها دور سازند.

از این جهت غالباً در گوشه کلبه های کثیف، در پهلوی خواهر خوانده های خرافاتی، در دست قابله های سیواد، بدون هیچگونه وسائل آسایش و لوازم بهداشت وضع حمل میکنند. چه بسا که جان خویش را بر سر این کار میکذارند، چه بسا که میبوی میشوند، چه بسا که نوزادان خویش را از دست میدهند، و چون مقهور این حوادث مرگبار هستند آنها را مربوط بقضا و قدر می دانند.

اصولاً تعداد نوزاد هادر کشور ما کم نیست ولی عدۀ نوزادانی که جان بند برین و عدۀ اطفالی که بسن رشد برسد بسیار کم است، زیرا که هزاران بلیه در کین آهست که از فقر و تنگدستی ناخر میشود.

مدهاست که از حمایت ملادران و کودگان پینوا در کشور ما صحبت می شود و تا کتون هیچ اقدام قابل توجهی عمل نیامده است. از این که فلان شخص بولداری چند لصف برای چند مادر تهیه کند و فلان محکوم چند خرور زغال به زلفن بیضمان خوب شهر هدیه نماید، از این که - تون روزنامه ها از کرامت و سعادت کسانی که یک چند هزارم اموال غارت شده ملت را بوی پس میدهند سیله شود؛ هلاج بود نخواهد شد. باید این کله ها برابر بیشتر از این و مرتبتر از این عمل آید، باید بنگههایی برای اجرای این مسامحت هاتاسیس گردد، باید نام احسان و تبرع از روی این کله ها بر داشته شود. مادر های پینوا هم اهضای این اجتماع هستند که در اثر نبودن عدالت اجتماعی باین روز افتاده اند، کودگان آنها را هم باید متعلق با اجتماع دانست زیرا که اجتماع میتواند در آینده از بیروی کار آنها بهره مند شود.

پس دستگیر، ملادران و کودگان پینوا را باید وظیفۀ اجتماع دانست و آنها را بدلعواء چند فقر بولداری جله طلب واگذار نمود. باید نتیجه کار اجتماعی را بطوری عادلانه تقسیم کرد که سهمی از آت بساختن آسایشگاهها و زایشگاهها و تیارگاهها اختصاص داده شود تا هیچ زحمت کنی از آینده خویش بیسناک نیاید و بداند که اگر بیسار شد گرسبوسد، اگر موفه از کار باز ماند، اگر صاحب اولاد گردید، جمله از او و از فرزند او پرستاری خواهد کرد و هیچ وقت مجبور نخواهد شد که جگر گوشه خویش را مانند بیضی از مادران پینوا و بیچاره ایران بر سر راه بگذارد و با او را نابود کند. حزب توده ایران در پی ایجاد جامعه ای است که این نس، ها حقیقه در آن جاموجود باشد. هسا که عدالت اجتماعی را دوست میدارید و سعادت خود و فرزندان خود را خواهانید با حزب توده ایران کله کنید.

### قطعنامه

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

طبق تصمیم جلسه مورخه ۲۲/۷/۲۷ کمیته مرکزی حزب توده ایران به تمام کمیته های ایالات و ولایات اعضای حزب توده ایران ابلاغ میشود. حزب توده ایران برای ابراز مسامحت بهرمانان شجاع و ارتش دلاور سرخ و ملل ستمدیده شوروی که سر مشق مبین پرستی و دفاع انسانیت را بنالایان داده و در زمین ملت ایران را از تاغ و تازغونخواران و یساکران فاشیت که دشمن انسانیت و آزادی هستند نجات دادند قطعنامه زیر را صادر مینماید. تمام افراد حزب توده ایران موظفند که حد اقل صدی ده در آمد یکساره خود را ببنوان کله بتمدیدگان ملل فرمان و تیب شوروی توسط دبیرخه حزب توده ایران در مقابل قبض مخصوص پرداخت نمایند. تمام دوستاران حزب توده ایران و تمام آسانی را که بقای صلح جهانی و تمدن عالی انسانیت علاقتند باین کسک دعوت مینمایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیرخانه حزب توده ایران مهرورزه از چهار جلد از ظهر تا ساعت ۹ برای دریافت امانت ها و هدایا - ماسر و داتر میباشد. آدرس - خیابان فردوسی حزب توده ایران

### پروین کتابادی

### آزاد مرد را نبودیم از شکست

از جور پیش ما را داد انتظار نیست پس کاشها ز ظلم برافراشت آزمت بنیاد ظلم و جور بود ست و بیخوام آزادی است ضلنم خوشبختی بشر تا مرد سلکان را در نرد بفرادت آزادی ای امید و پناه شکست آزاد مرد را نبودیم از شکست ای رفیبر ز خواب گرات سر کتون بر آر وین نکه را بدان که ترا عسکر نیست با اقتصاد محکم خود در نبرد شو اکنون ترا نکوتر از این کاروان نیست قتل از روزنامه راستی - ارگان حزب توده - خراسان

دکتر احمد رضوی

### اجناس انحصاری

### قدوشکر و چای با کوبن

در هر مصله پشت شیشه های چهل تیکه چند دکات بقالی، عطاری، برزازی این اعلان با مرکب آبی وطنی و خطی شیشه به کافه سیاه مشق طولبت مرحوم میرخلعمان دیده میشود. ولی اگر برای کینجاوی با بگمان شاید و یابید از حاجی آقا ریش و سیل ستانی، شیکلاک سر یا جوجمشتی صاحب منازه مشوال کنی بدون تردید خواهد گفت: شکر می سکون سیری دوازده هزار با کوبن نداریم روزهای اول ماه نیز اول بره کتر، منازه های فروش این جنس انحصاری است مردم سر و دست میکنند، از دو دیوار منازه بالا میروند، جیب برها نیز کوبن، دستمال، پول، کیف و کبه مارا جیب میزنند. این دیکتاتورهای خرده فروش هم صبح هاجبایی ساعت ۷ نیم ظهر و بجای نیم بعد از ظهرش بعد از ظهر دو کرکره را بالا کشیده و از انتظار کشیدن مردم داد و بیداد و فریاد زور نده، آبی پورل و از دند لنت میبیرند و بجای هزار کوبن صدتارا پرداخت کرده و کوبن های تلابی کارنوزیرا بداره تحویل میدهند. وقتی انسان بصورت و حرکات این مردم، این توده پینوا دقت میکند در تعجب فرو میرود که چطور این موجودات دلاری صبر ایوب شده اند و بر هوش و ذکاوت طبقه حاکمه که چگونه هم این مردم را بدست آورده اند آفرین میخوانند در همه ساله کله ارض هر گاه جنسی انحصاری شد برای آنست که فقیر و ضعی، مالک و زارع، ارباب و مزدور، رئیس و برنوس همه باالتوازی از آن بهره مند شده و آقا بالاسرها چند روزی مثل توده می پورل و زور زندگی کرده از مرض و طول و دم و دستنگاه خود کم بنمایند.

ولی در کشور ما انحصار دولتی فقط برای آنست که فقیر بیچاره ها و اضعاس نسیبند نان سیلو بخورند، هر سه ماه یک کف دست حاجی علی آکبری بگورند، از اول ماه تا آخر ماه دکان قندفروشی سرودست بشکنند.

ولی بولداریها در بازار آزاد آنچه بخواهند بگورند، در ادارات انحصاری باهن بیدم و تو بیری بار خود را بکنند اگر کسی از بیخ و غم و فوت و فن ادارات ما مطلع نیاید اینبه کنون سلی، چیه بندی ادارات کل بعضی را خواصم بود.

### انحصار انحصاری

به بیند، گمان خواهد کرد که حتی در انگلستان روسیه و امریکا بزرگیه بندی بدین صحت وجود نداشته و عدالت و تساوی تا این حد فقیر و غنی را بیکسان نتوده است. ولی من و شما، اولاد این خاک پاک هر روز که یک مرشکاری، کوبن بندی اداره انحصاری بازی میشود حساب خود را کرده و میدانیم که فردا حد در صد و پس فردا هزار دو صد بر روی اجناس خواهد رفت. همه میدانیم که بدین طریق نانمانی جدیدی برای آقا زاده ها، نورچشمی ها باز خواهد شد، همه میدانیم که بازار خرید و فروش مسله گران اداری سرورسورتی گرت، زخان های مجلل و اتومبیلهای شیک و دم و دستنگاه و بریو یا برای عدۀ فراهم خواهد شد. من و شما این بردها را میدانیم این زد و بندها وینه ویت ما را چشم می بینیم ولی هیچ اقدامی نمی کنیم درویش مسلکی، استخوان لای زخم گذاری را پخته خود کرده و خدانو بدگست و این نیز بگذرد را شمار خود قرار داده ایم دست روی دست گذاشته و نگاه میکنیم و سلوات بلنه برای رفله و آسایش این دست میفرستیم با خود میگویم که خدا خواست و برای عدۀ نان و آب رسیده مگر ما بعبیل هستیم که باعث بریدن رون و دوزی سایرین شویم خلاصه میسوزیم و میسازیم ولی بدین امید که اجر آخرت بااست و بانتظار جوری و غلمان بهشتی و آب زرم و کوتر دست و پای خود را در بقله دراز کرده و برای گذشتگان این فزادان هستی و نیستی ملت طلب مغفرت مینماییم امروز بر ما طبقه روشنفکر است که دست از این دودیش مانی برداریم، بهر وسیله که در دست رس است توده بیچاره را آماده کنیم و حقوق خود آشنا سازیم، مزایای آزادی، مقوم آزادی و بدانها نشان ندیم، مقصود از دموکراسی را برایشان تشریح کنیم. سنی کنیم که این توده فائل ورنیجیدمرا از این مذلت و بیضی نجات دهیم. باید مایب رای فروش، دانسته بانه است و اربابشان واضح سازیم و با انتظاری کلای صحیح وطن پرست و تسویر کرده بنیان آزادی را محکم سازیم والا ما مستول بدبختی و اضحلال ایران بوده و در مقابل دنیا شرمندۀ ترین افراد اجتماعی خواهیم بود.



### برای پیروزی در انتخابات شدیداً مبارزه کنید

## در مجلس

ساعت ۱۱ جلسه رسیده است و با توجه به آنکه ۵ خواننده شد. پس از مذاکره با کمیته پیشنهادت خواننده شد بنامه با اصلاحات وارده رای گرفته تصویب گردید. ماده شش خواننده شد. فریدونی اظهار داشت که باز نشستگان از مالیات حقوق باز نشستی معاف شوند طوسی این نظریه را تأیید کرد. انوار پیشنهاد کرد که اراضی جدیدی که قابل زراعت می‌شوند بجای دوسال تا چهار سال از مالیات معاف شوند. اردلان قبول نکرد. مدخل گفت در لایحه نوشته شده که از اینگونه اراضی تا دوسال بعد از برداشت اولین محصول مالیات گرفته نشود در اینصورت نظر شما تأیید است. انوار قانع نشد به پیشنهادش رای گرفته شد تصویب نگردید. لیتوانی پیشنهاد کرد که از درآمد های کورسکستانها و آسوزشگاه ها و بیمارستانهای فیدولتی و از درآمد های ناشی از تالیف کتب هم مالیات نگیرند پس از توضیحات اردلان و مدخل (مخبر کبیسون) پیشنهاد خود را در تأییدهای ناشی از تالیف کتب تقابل داد سپس از آنها گذشت. فرامرز مایان پیشنهاد کرد از مالیات سد ها و قنوات جدید الاجداث مالیات گرفته نشود توضیحاتی هم داد اردلان رد کرد. فرامرز مایان پذیرفت. انوار پیشنهاد کرد که وجوهی که بابت اجرای مراسم مذهبی ارباب دیانت میپردازد از مالیات معاف گردد. گفته شد این نظر تأیید است انوار بی‌شوش

آمد و فرصت خواست تا توضیح دهد چیزهایی گفت مدخل رد کرد گفتند پس بگیرند گفت پس بگیرم ولی مسکوت التمی گذارم ماده با اصلاحات و اضافاتی از این قرار خوانده شد. ۱- موقوفات آستان قدس رضوی و مسجد گوهر شاد و آستانه حضرت معصومه و آستانه حضرت عبدالعظیم و مقبره شاه نعمت الله ولی و شاه چراغ و مستلقات و املاک شیر خورشید سرخ و موقوفاتی که متصرفاً به مصرف عموم خیریه و عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کورستان و پرورشگاه و آموزشگاهها و اطعام ساکنین و نظایر آن برسد از پرداخت مالیات معاف خواهد بود. ۲- مستلقات جدید البنا و مستلقاتی که بواسطه حادثه ای مثل حریق و سیل و غیره خراب شده و از نو احداث گردیده تا دو سال پس از تاریخ بنای جدید از پرداخت مالیات معاف خواهند بود. ۳- تا میزان ده درصد عایدات هر شخصی که برای مصارف خیریه و بنگاه های خیریه که دولت ساخته باشد از مالیات معاف هستند. ۴- زمین های که تازه آبادی شوند تا دو سال پس از برداشت اولین محصول از پرداخت مالیات معاف شد. بنامه این اصلاحات و اضافات رای گرفته تصویب شد. جلسه ختم گردید و جلسه آتی فردا قیل از ظهر خواهد بود.

## خبرهای کشور

**ممنوع شدن صدور گذرنامه**  
بطوریکه از وزارت کشور اطلاع می‌دهند چون اخیراً عمده زواری و زواران بنظور تحصیل گجر نامه برای مسافرت بستانت و حجاز به تهران آمده و عده‌های هم بفرمشهر مسافرت نموده‌اند و نظریه مشکلاتی که در صدور گذرنامه از لحاظ نبودن وسائل نقلیه و سایر مشکلات موجود است صدور گجر نامه بکلی ممنوع گردید و بجای آن مسافرت عراق هم از مصادف و ورودی خود داری می‌گردد از طرف وزارت کشور نیز بکلیه استانداران و فرمانداران دستور تلگرافی صادر شده که با ذکر مشکلات مذکور زوار را از مسافرت متصرف نمایند که پیوسته از محل خود حرکت ننموده و از این راه دچار خسارت نشود.

**نامه‌های مربوط به تبلیغات**  
از طرف مقام نخست وزیر بر رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات اختیار داده شده است که نامه های راجع به امور تبلیغاتی را در موارد مربوط از طرف آقای نخست وزیر امضا نمایند.

**نمایندگان مراغه**  
برقرار تلگراف رسیده از مراغه انتقادات آن شهرستان خانه پانته و در نتیجه آقای اسکندر مقدم و آقای فتوحی با اکثریت نمایندگان چهاردهمین دوره مقننه از آن شهرستان انتخاب شده‌اند.

**حائزین اکثریت در رشت**  
برقرار تلگراف رسیده در رشت آراء ماخوذه استخرج و تا ظهر روز چهارم آبان حائزین اکثریت در انتخابات رشت آقای مظفرزاده و آقای ابوالقاسم امینی بوده‌اند.

**امروز استخرج بقیه آراء تا فروردین**  
خانه خواهد یافت.

**انجمن جوانان امیر کبیر**  
بنظور پیشرفت اصول فرهنگی و تعلیم و تربیت جدید اخیراً در شهرستان دارالفنون انجمنی بنام «بنای دارالفنون یعنی امیر کبیر» از انجمن جوانان امیر کبیر تشکیل یافته روزهای سه‌شنبه هر هفته از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تا ساعت ۷ بعد از ظهر در تالار دارالفنون برنامه خود را اجرا میکند. شبانته این انجمن عبارت است از انجمن سخنرانی های مذهبی انجمن ورزشی - سخنرانی های تاریخی ناپسندیده می‌باشد. انتشارات لازم - مطالعه در کتابخانه و قرائت خانه.

**انتخابات حوزه کرمانشاه**  
برقرار اطلاع تلگرافی که رسیده آراء صندوق سترو کلیاتی قرائت نتیجه برقرار زیر بوده است:  
آقای نصرت الله منتصر ۲۴۹۲  
آقای ساسان خواجه نصیری ۲۴۹۲  
آقای دکتر حسین معاون ۲۳۰۰  
آقای دکتر عبدالعزیز زنگنه ۲۰۳۰  
نتیجه آراء صندوق کنکار و معنه نیز برقرار زیر بوده است:  
آقای دکتر حسین معاون ۲۴۹۸  
آقای نصرت الله منتصر ۲۴۹۰  
آقای دکتر عبدالعزیز زنگنه ۲۳۰۰  
آقای ساسان خواجه نصیری ۲۲۵۰  
قرائت آراء صندوق هرسین شروع و برودی نتیجه اعلام خواهد شد. اخذ آراء در شهر کرمانشاه دیروز تمام و از ۱۶ آبان قرائت آراء شروع خواهد شد.

**حائزین اکثریت در قزوین**  
قزوین ۱۴ - حائزین اکثریت بشرح زیر میباشند:  
آقایان مجید ۲۱۲۸ رای الوئی نایب ۲۲۳۳ - کام پخش ۱۶۵۱ مطیعی ۲۲۰ - غفار بیکاه ۶۳۹ - شیخ الاسبانی ۶۵۹ - غنوق ۸۹۵ - شاهروردی ۲۴۸ - اعظام قدس ۳۸۶ - مکرم افشار ۴۱۰  
زینان ۱۴ - حائزین اکثریت چنین میباشند:  
آقایان افندی ۸۸۲۵ - مجدضیالی ۶۳۴۴ - حسین رهبری ۵۰۳۵ - محمد ذوالفقاری ۴۲۲۸ - دکتر سید امامی ۳۵۶۷  
**آمار عملیات هفته دوم دادگاه کبیر**  
آقای نصرت الله امینی  
۱- سید ابراهیم میوه فروش خیابان ایران ۱۰۰ ضربه  
۲- علی نانوائی چهار راه سید علی ۱۰۰ ضربه  
۳- شاطر اصغر متصدی نانوائی خیابان ایران ۲۰۰ ضربه و بازده روز حبس  
۴- هانی ترازدار نانوائی خیابان ایران ۲۰۰ ضربه و بازده روز حبس  
۵- صفر صاب خیابان سیدی ۵۰ ضربه  
۶- عبادت فروشنده نانوائی خیابان عشرت آباد ۵۰ ضربه

شماره ۲۳۱۱۹  
مرجع رسیدگی - شعبه پنجم دادگاه استان مرکز هیئت دادرسان - آقای ابوالفضل صدر و آقای مهدی وحید موضوع رسیدگی - دادنامه شماره ۶۰۴ صادر از دادگاه شهرستان رشت تاریخ رسیدگی - ۲۳ - ۱۰ - ۳۲۱  
گرددش کار - عطاءالله فرزند موسی شفل فلاح شهرت موسالی اهل و مقیم مسال شاندرمن بانها هم سرقت اقبیه از خانه عزت نامورود تعقیب دادرسی شهرستان رشت واقع دادگاه جنم پس از تحقیقات لازم او را بزهار تعقیب داده و باستناد ماده ۲۲۶ قانون کیفر عمومی مشارالیه را بنش ماه حبس تأدیبی محکوم نموده دادستان از لحاظ کمی کیفر و متهم نسبت به محکومیت خود پژوهش خواست اند پیرونده حجت رسیدگی بدادگاه استان مرکز ارسال و باین شعبه ارجاع گردیده دادگاه در جلسه مقرر مرکب از آقایان نامبرده با حضور آقای دیبا دادیار تشکیل عطاءالله را رویت احضاریه حاضر نشد با در خواست آقای دادیار رسیدگی خیالی شروع و پس از خواندن برگه های لازم و کسب عقیده آقای دادیار مبنی بر استواری دادنامه بقوی و پایان داد رسی و رایزنی چنین رای میدهد  
از شکایت شاکو و اظهار گواهان و سایر معتمدات پیرونده اوتکتاب عطاءالله بسرقت اشید مسلم ولی نظر نداشتن پیشینه کیفری و استرداد مال مسروقه مستحق تعقیب بنظر میرسد لذا حکم پژوهشخواست گسیخته میشود و عطاءالله بوجهب ماده ۲۲۶ و ۴۵ قانون کیفر عمومی غیایا به ماه حبس تأدیبی محکوم میگردد که ابام بازداشت موقت از مدت حبس او کسر میشود  
دادگاه استان مرکز ۳ - ۲

## چاپخانه فرهنگ

۷- طبعی وزیر ناوای نظام ۱۷ - حسین درشکه بی‌نمره ۳۲۱  
آباد ۳ ماه حبس ۵۰ ضربه  
۸- کربلائی احمد برنج کوبان میوه نعل ۲۰۰ ضربه سه ماه حبس  
۹- علی کبابی میوه فروش خیابان اسلامبول ۲ ماه حبس قابل ارجاع از قرار روزی بیست ریال  
۱۰- محمد میوه فروش خیابان اسلامبول ۲۰ - علی نان بربری بز خیابان سدی ۵۰ ضربه  
۱۱- سلیمان کلیمی تره بازر فروش در روزی مر: نضانه نسوان ۵۹ روز حبس قابل ایشاع از قرار روزی ۲۰ ریال  
۱۲- احمد میوه فروش میدان مشیر الدین ۵۹ روز حبس قابل ایشاع از قرار روزی ۲۰ ریال  
۱۳- الیاس میوه فروش خیابان اسلامبول ۵۰ روز حبس قابل ایشاع از قرار روزی ۲۰ ریال  
۱۴- عباس تره یار فروش سرخیابان سپهسالار ۵۰ ضربه  
۱۵- شاطر علی نانوائی سنگلج نمره ۹م ۵۰ ضربه  
۱۶- اسمعیل مرادی نانوائی کوچه منازالموله ۵۰ ضربه  
۱۷- حسین درشکه بی‌نمره ۳۲۱  
۱۸- مصطفی شراره نانوائی خیابان زرین نعل ۲۰۰ ضربه سه ماه حبس  
۱۹- علی کبابی میوه فروش خیابان اسلامبول ۲ ماه حبس قابل ایشاع از قرار روزی بیست ریال  
۲۰- علی نان بربری بز خیابان سدی ۵۰ ضربه  
۲۱- غلامی درشکه بی‌نمره ۵۰۹۳۱ ضربه  
**جلسه هیئت عامه**  
جلسه هیئت عامه خیریه مرکز سعادت ۱۱ صبح دیروز در سالن انجمن شهرداری با حضور آقای دکتر حکیم الدوله ادهم آقایان شریعت گیلانی و کاشف تشکیل گردید راجع بامور جاری انجمن مذاکرات مفصلی بعمل آمد و بتقاضای بنیوانان رسیدگی شد و برحسب استحقاق و احتیاجشان مساعدت های نقدی و وجسی بعمل آمد و ضناعه ای از ای بنیوانان هم بهیئت انجمن روانه شهرستانهای خود گردیدند. جلسه در ساعت ۱۳ ختم شد و جلسه عمومی انجمن خیریه مرکب بروز چهارشنبه ۱۸ آبان موقوف شد

## کتاب

### بنگاه و سه نفر

### از انتشارات روزنامه رهبر

از طبع خارج و باجلدی مرغوب بزودی منتشر خواهد شد قیمت در مرکز ۳۰۰ ریال در شهرستانها به علاوه اجرت پست طالبین برای دریافت یک جلد ۳۰۰ ریال و سه جلد به علاوه کرایه پست با درس روزنامه رهبر ارسال فرمایند بدخواست های بی وجه هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد - ۲۰-۱۵ دفتر روزنامه رهبر

## شاهکار ماکسیم گرنی

## مادر

حرفش را قطع نکن  
اهل روسیه صغیر نزدیک بنجره استاده در حالی که چشمهای برق میزد ادامه داد:  
- پیدایند بازم درهای زیادی بطور اندوخته برای مردم وجود دارد دستهای طبعی باز خیلی خون از آنها خواهند گرفت  
اما همه اینها - همه دود من و همه خون من در مقابل آنچه هنوز هیچ نشده در وجود خود و در من سرورمغز استخوانهایم دارم فیه ناچیزی است از همین حالا مانند ستاره که از حیث پرتوئی است غنی هستم  
تصل خواهم کرد... در مقابل هر چیز طالت خواهم آورد... زیرا که هر نهاد من بک نوع هادی است که آرا هرگز هیچ چیز نخواهد کشت و این شادی - نیروی من است  
و گفتگری آنها تا نصف شب بطور موزون و وسیعانه راجع بر زندگی و مردم آینده ادامه داشت  
پلاگه وقتی که فکر برایش روغن میگفت آهی کشیده در زندگی گذشت خود چیزی را انتخاب میکرد - این چیز هواره مشتق آور و زمخت بود و بلاگه آرا مانند سنگی برای محکم ساختن این فکر در دل خود بکار میبرد نشویش در تحت تاثیر گرم این مذاکرات از بین میرفت - احساسات هانروزی بوی دست میداد که پدرش باعنی زنده باو گفت:

ادا و اصول فایده ای ندارد! احقنی پیدا شده که مایل است با تو ازدواج کند نبولش کن - همه دخترها شوهر میکنند و همه زنهای میزبانند برای عوم والدین بپنج ماهه تم و همه اند - مگر تو آدم نیستی؟  
آنکه دیده بود که تنگنای اجتناب ناپذیری در جلوش رسم میگردد که بدون هدف در پیرامون جامی خلوت و تارک امتداد دارد و همون بون-سروشش قلب ویرا از آرامش کور کورانه سرشار میباشند - حالاهم هدیطور بود اما با احساس پیش از وقوع نزول مصیبتی تازه باطنا معلوم نبود به کی میگفت: نیاید بگیرد!  
و بدین ترتیب محنت قلبش را که در حین تپش در سینهاش مانند سبزی کشیده آواز میخواند تسکین میداد...  
درصق زحمت که از همه انتظار پزیشان شده بود امدیدی ضعیف اما... نوسان داشت: همه چیز را از وی نخواهند گرفت - همه چیز را از روی منتشر نخواهند ساخت: شاید... چیزی باقی بماند...  
ماریا آکرسروا صبح خیلی زود که آمده و باول تازه از ناه بیرون رفته بودند پشت به پشت بنجره زد و فریاد کرد:  
- ایزای! کشته شده است! بروم به بنیمن  
مادر از جا جست - نام قاتل مانند تیری از خاطرش گذشت  
حالی بر روی شاهه ای خود انداخته پرسید: ضربت را زده اند؟  
- ماریا جواب داد: قاتل پهلوی ایزای نمانده زده و فرار کرده است! در کوچه دنبال کلاش را گرفت!  
- دوباره برای پیدا کردن مقصر همه جا را خواهند گشت جای خوشبختی است که دو نفر مرتد در خانه بوده اند... میتوانم شهادت بدهم... پس از نصف شب از جلو منزل شما گذشتیم از بنجره نگامی کردم... هر سه تا دور میز نشسته بودند...  
- مادر بحالت وحشت باهنگ بر آورد: ماریا بطور ممکن است آنها را متهم نمایند!

ماریا از روی اعتقاد جواب داد: کی او را کشته است؟ یقیناً بکنفر از دست شما بوده است! همه کسی میداند که بر علیه آنها جاسوسی میکرد... مادر نفس زنای ایشاد و دست را روی سینه اش گذاشت:  
- چت است؟ ترس... ایزای قطع بسزای خود رسیده است...  
تندبروم الساعه بلندش میکنند...  
پلاگه بی آنکه از خود بیرسد چرا بدیدن نش میبرد شروع کرد برای رفتن در حالی که درونکسب و سب چیکف بود تلو تلو میخورد.  
- بهت زده فکر کرد: بقصدش رسید!  
در نزدیکی کارخانه روی آوار خانه ای که بتلاگی از حریق سوخته بود چیمیتی گرد آمده مانند پرش زنبور صدا میکردند و بقایای آهک شده را پامال نموده ابری از خاکستر برایشان میساختند. در آنجا عمده زیادی زن و عده بیشتری بچه بود دکانه‌ها - پیشه‌مندیهای مشروب فروشی معاصر - پاساژها و بتلین زاندارم و پیر مرد بلند قدی با دیشی قره قام نیز آمده بودند.  
تیه ای از بدن ایزای در روی زمین دراز بود پشتش به تیری که از آتش سیاه شده بود تکیه داشت سرش در روی شانراشش میافتاد. دستراشش در جیب شلوارش بود انگشتان دست چپش در خاک دست فرو میرفت.  
مادر صورت مرده را نگاه کرد - یکی از چشمهای بی نور کاشکش که میان پاهای دراز کرداش جاداشت دوخته شده و مثل اینکه حالت تعجب باودست داده باشد دهانش تیه باز و دریش سرخ چاه اش بطور رفت آوری آویزان بود چنین بنظر میرسد که بدن لاغر و سرنوک تیز و صورت استخوانی - براز کله‌مکش در اثر مرک کوچکتر و فشرده تر شده است مادر آهی کشیده علامت صلیب ساخت این مرد در موقع حیات در نظری زنده بود حالا کمی برقتش میآورد.  
- کسی آهست گفت: خون دیده نشود! لابد او را باشت زده اند...  
- شاید هنوز زنده باشد؟ هان!  
- زاندارم او را عقب زده فریاد کرد: رد شو...  
- یکی اظهار داشت: دکتر آمده... و گفته است که کارش تمام است!



حکومت نظامی بزرگترین ناقض آزادی انتخابات است

بیست و ششمین سال انقلاب کبیر  
نطق مارشال استالین

مصلحتی و تاکتیکی را در مبارزه ما بدین معنی خوبش تغییر داد.  
ولی ارتش آلمان در این حال باز دست دادن خطوط مهم ارتباطی با اندازه همی شرایط مساعد مانور را برای نیروها نفاذ کرده بود و مسائل عملیات و تاکتیکی وی بدتر شد.  
نیروهای ما طی تیرماه خود بندرهای آلتایا - تامان - تاخکانوک - و مارپیویول - اوسینکو (بریدانک) و نورویسک - بهترین بنده - دومین تکیه گاه دریایی را در دریای سیاه از دست مهاجمین آلمانی آزاد کرده از ۵ ژوئیه الی ۵ نوامبر سال ۱۹۴۳ ارتش سرخ به نیروی فاشیست آلمانی تلفات سنگینی از لحاظ افراد و وسایل و برک وارد ساخت.  
در این مدت نیروهای ما ۱۴۴ لشکر منجمله ۲۸ لشکر تانک و موتوریزه دشمن را نابود کردند. تمام این لشکرها را در عرض عملیات تابستانی بکرات با افراد و تکنیک تکمیل میگردید. دشمن فقط از کشته در حدود ۹۰۰۰۰۰ سرباز و افسر از دست داد غیر از این ۹۸۰۰۰۰ سرباز و افسر آلمانی که بیش از ۵۰ در صد آنها زخمی است اسیر گرفته شده است. مجموع تلفات دشمن طی زودخورد های تابستانی عبارت از ۲۷۰۰۰۰۰ تن سرباز و افسر کشته و زخمی و زانانی ارتش سرخ را بیش از پیش تقویت میکند.  
ارتش سرخ طبقه بزرگی از خاک شوروی را بین دلت شمالی و دنیبر و وجود مهاجمین فاشیست آلمان پاک نمود. ضعیف ترین اراضی غله خیز و حاصلخیزترین نواحی کشاورزی کشور را برای زمین باز ستاند.  
هتلریها باز دست دادن این سرزمین غله خیز مرکز آزادی میسر را که باستانهای سی و کوشش بدان متوسل میشدند نفاذ گردیدند.  
ارتش سرخ مرکزهای ذیل قاطع رامهای آهن اسونلک - رسلول - نول - بریانسک - کریپف - اوینجا - آریول - خوتور - میخایلوفسکی - رورویا - کونوتوپ - باخاج - نون - خارکف - پوتلوا - سومارومودان - کریپسکا - دیانتسوا - یاسینوواتا - نیکیتسکا - یاولوگراد - کراستوگراد - لوزوویا - کراستوآرینسک - مولنوا - سینلیکو - یانینسکا - نیروپترووسک - زاپوروزیه - غیره را از چنگ دشمن رهائی بخشید.  
با این وصف بهترین خطوط اساسی راه آهن مسکو اسونلک - مسکو - آریول - کورسک - یلیکورو - خارکف - راستف - خارکف استالینو - ارموپول - مسکو - بریانسک - نوویلیتسا - کورسک - رورویا - دارینتا - آریول - بریانسک - رسلول - اسونلک - خارکف - کراستوگراد - دنیبر و پترووسک - سوخچیچی - بریانسک - و رورویا - یازما - بریانسک - کونوتوپ - کریپف - اوینجا - وورویا - سوما - خارکف - باخوج - رومودان - پوتلوا - نول - بلینتا - نون - کریپسکا - زولوتو - نوشا - خارکف - پوتلوا - سکرمنچوک - خارکف - پوتلوا - رومودان - دارینتا - استالینو - وولنوا - پولسکی - زاپوروزیه - لیتوبول - کی - چک - دنیبر و پترووسک - یانینسکا - و غیره بدست نیروهای شوروی افتاد.  
بین متوال ارتش سرخ بهترین خطوط اساسی راه آهن را که مرکز کشور مارا با جنوب میبوند پس گرفت و با این اقدام خود شرایط مانور نیروها را بطور جدی بهبود بخشید و مسائل

مقاومت دشمن در ناحیه نورویسک در قسمت سالی رود کوبان و در شبه جزیره تامان در اثر عملیات نظامی نیروهای ما در کوبان در هم شکست.  
بین طریق میدان هجوم مهم عملیات آلمانی در کوبان که این ناحیه دفاع کریمه و امکان عملیات ترمضی آنها را بسوی قفقاز برای دشمن تأمین مینمود از بین برده شد. آلمانیها در تیرماه مقابل شکست سنگینی خود کوشش میکردند تا به هر وسیله که ممکن باشد ترمض نیروهای شوروی را بجانب دنیبر متوقف سازند.  
فرماندهی آلمان نواحی اساسی ارتش خود را بنام مناطق محکم دفاعی گراه های دنیبر و رودخانه مولوچنایا کشید و امید داشت در این خط مهم آلمانیها نیز برهم خورد.  
ارتش سرخ از بزرگترین سد آبی یعنی از دنیبر عبور کرد و آبش را در تداومی توانای دشمن را در همکند کرد. گراه راست رودخانه دنیبر - یک رشته میدانهای هجوم اشترازی میسر ایجاد کرد. ارتش سرخ به ترمض خود توسع داده در خدیگی رود دنیبر به آتش فاشیست آلمان شکست بزرگی وارد نمود و شهرهای دنیبر و پترووسک و دنیبر و ژینسک که بهترین مرکز صنایع جنوب کشور ماست و محل قاطع راه آهن پاتیناسکا آزاد نمود.  
سیاحتات ما در این حال منطقه مستحکم و نیرومند دفاعی آلمانیها را در ساحل رود مولوچنایا که از لحاظ آبیه منتهی به های ذک تانک و از حیث تیر کز عده زیاد پیاپی نظام توپخانه و تانک از دفاع آلمانیها در کنار رود میوس هم خیلی قویتر بود درهمشکافتند.  
دین متوال نیروهای ما دفاع دشمن را از شهر زاپوروزیه گرفته تا دریای آرف تماماً درهمشکستند و جبریان سلی دنیبر رسیده و ارتباط سپاهیان دشمن را از خدیگی پاک کرده قطع نمودند.  
ارتش سرخ در نتیجه عملیاتیک طبق نقشه فرماندهی عالی کل قوا امرانه صورت داده است اراضی زیادی را از چنگ دشمن آزاد نموده و آلمانیها را از نواحی مهم اشترازی و خطوط ارتباطی محروم ساخت.  
دشمن در امتداد خط ۱۲۰۰ کیلو متری از مبد رود سوژ گرفته تا دریای سیاه به آنطرف دنیبر راهه شده. تمام اراضی دست چپ رود دنیبر در مدت مختصری از چنگ مهاجمین آلمانی آزاد شد. نیروهای ما طی یکبار خدیگی ترمضی از چهار سد مهم آبی یعنی رود های دنتو شمالی دستاور و دنیبر عبور کرده مهارت عالی جنگی و مانور و ابراز نمودند. بدین طریق ارتش سرخ در مدت ترمض خود در جبهه شوروی و آلمان که کمتر از چهار ماه ادامه پیدا کرده نقشه کوشش از خاک اشغال شده بسبب ۳۵۰۰۰ کیلومتر مربع را که دارای بزرگترین اهمیت اقتصادی و سوق العیشی است برای زمین باز ستاند. سر زمین کراستودار و ایتانهای راست و رورویولوف

یکهزار هواپیمای  
مقتضین بر گلشن گرخن  
حمله بر ده آند

لندن - بزرگترین هواپیمای  
فرستاده مخصوص غیر گزاری انگلیس از  
مرکز ستاد هوایی انگلیس گزارش داده  
است در طی عملیات وسیعی که نیروهای  
هوایی انگلیس و آمریکا روز آینه بند  
از ظهر بر فراز آلمان باختری و شمال  
فرانسه و بلژیه اجرا داشته اند هواپیمای  
های مقتضین در تمام مدت روز بر این هدفها  
حمله کرده.  
در ظرف چهل و شش ساعت برای  
دومین بار متوال از یکپاره سبب افکن  
و هواپیمای شکاری آمریکا با نهایت  
شدت در انتای روز بر هدفهای مهم آلمان  
حمله نمودند.  
سبب افکنها از نوع فو برنده و  
لیبراتور بودند.  
این سبب افکنها در هدف را مورد  
حمله قرار دادند و بر گلشن گرخن که  
یکی از این دو هدف بود و مرکز  
مصولات نفت صنوم و شامل مسادن  
مهم ذغال سنگ میباشد و در منطقه رومر  
واقع گردیده است بسیاری ریخته.  
هدف دوم فو مونتس - مرکز انقباط  
خطوط رانگ آهنگهای آلمان بود که تمام  
مهمات جنگی آلمان از این هله به جبهه  
غاور فرستاده میشود.  
سه ماه پیش باز آمریکا در انتای  
روز بشت بر گلشن گرخن حمله کرده  
بودند و قبل از آن نیروی هوایی انگلیس  
چهل و چهار نوبت در انتای شب این  
شهر را بمباران کرده است.

قبل از ابراد نطق مارشال استالین  
اظهار داشت که پیروزی مقتضین بر دشمن  
مشترک نزدیکتر شده است و مناسبت بین  
مقتضین و همکاری آنها بر خلاف انتظار  
دشمن بجای آنکه نقصان یابد تقویت  
یافت و تمسبهای تاریخی که در این بین  
مسکو از طرف نمایندگان اتحاد جماهیر  
شوروی و انگلیس و آمریکا گرفته شده  
و اخیراً در مرفش اطلاع عامه گذاشته  
شد بهترین گواه بر این اظهار است.  
ملتهای مقتضین حرم دارند که آخرین  
شریبات نواحی را بر دشمن وارد ساخته  
به فتح نواحی نالی کردند.  
امسال عملیات جنگی مقتضین در شمال  
افریقا و دریای مدیترانه و جنوب ایتالیا  
از عملیات ارتش سرخ بر علیه نیروی  
آلمان فاشیست پشتیبانی موثر نمود در  
این حال مقتضین مراکز صنعتی مهم  
آلمان را لایقطع بمباران نموده و بدین  
طریق بطور موثر از قدرت نظامی دشمن  
میکاهد همچنین مقتضین برای مسامرتیا  
اسلحه و مهمات فرستادند و بدون افران  
میتوان گفت که از اینراه موفقیت چنگ  
های تابستانی مارا بسیار تسریع کردند و  
بدبسی است که عملیات کنونی آرشهای  
مقتضین را در جنوب اروپا نمیتوان بجزله  
یک جبهه دوم تلقی نمود و نیز مسلم است  
که گشایش یک جبهه دوم حقیقی که  
چندان دور نیست بطور محسوس سر  
سرعت پیروزی بر آلمان هتلی از قوت  
و همکاری جنگی ملتهای مقتضین را تقویت  
خواهد کرد و حشگری آلمانها ناشی از  
پاس و نومیه است که مسولاً دامنگیر  
آنها و غیره میگردد بر شدت مستغری  
و چابولوی افزاینده ملتهای جنوب موخش  
دیوانهای آلمانی صرف نظر نموده  
کرد و قاصصه ها را این جنبانها را از  
تبهکاران آلمانی خواهیم گرفت.

میکند که اسامی یکی از بزرگترین